



مروری مختصر بر مباحث اقتصاد کلان

دکتر محمدزاده

اقتصاد بررسی و مطالعه فرایند انتخاب است.

اقتصاد خرد بررسی انتخاب‌های افراد و بنگاه‌ها یعنی واحدهای اقتصادی مصرف‌کننده و تولید کننده است.

اقتصاد کلان فرایند انتخاب را در سطح یک کشور بررسی می‌کند. مسایل مورد بحث در اقتصاد کلان: کل تولید یا بازده اقتصادی، کل اشتغال، تورم، بیکاری و نرخ‌های بهره در یک اقتصاد.

به طور کلی اقتصاد کلان بررسی نظریه‌ها یا انگاره‌هایی است که برای توضیح عملکرد اقتصادی یک کشور ارائه شده‌اند.

- مشکلات بیکاری عمومی و رکود اقتصادی را تنها نمی‌توان با بکارگیری نظریه اقتصادی متداول که عمدتاً تکیه بر اقتصاد خرد دارد، درک کرد.

- سطح بالای بیکاری نیروی کار را تنها نمی‌توان با تعدیل خودکار مزدها و قیمت‌ها از طریق نیروهای بازار عرضه و تقاضا از میان برداشت.

تولید ناخالص ملی (Gross National Product) :

ارزش بازاری کلیه کالاها و خدمات نهایی است که در یک اقتصاد در یک دوره زمانی معین تولید می‌شود.

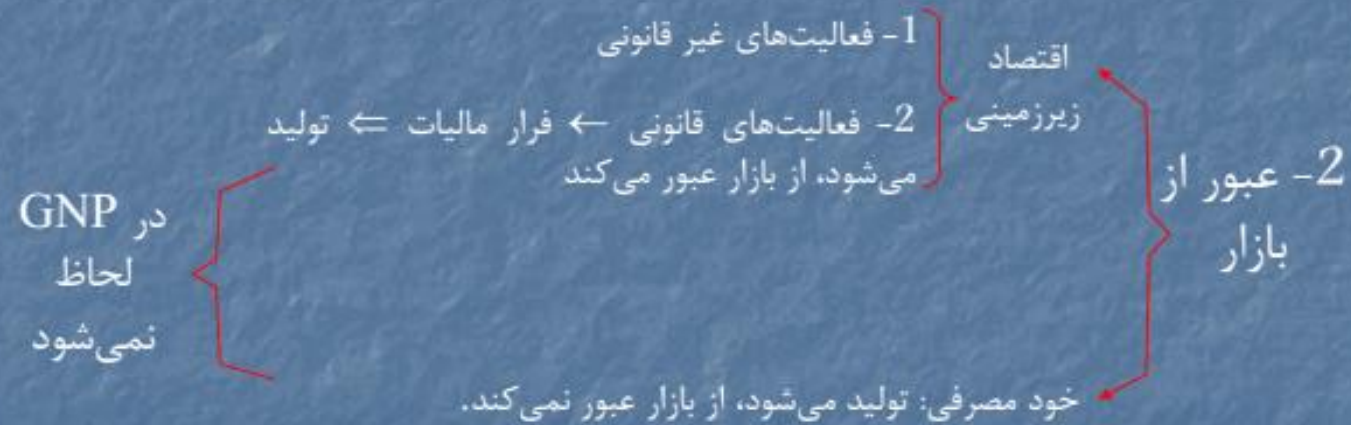
$$GNP = \sum_{i=1}^n p_i q_i$$

q_i = مقدار کالاها و خدمات نهایی

p_i = قیمت جاری کالاها و خدمات نهایی

نکات و مشکلات GNP

1- شامل کالاها و خدماتی است که به مصرف‌کننده نهایی فروخته می‌شود.



3- معیار مناسبی برای اندازه‌گیری رفاه جامعه نیست. (توزیع درآمد و زیان‌های ناشی از آلودگی محیط زیست را نشان نمی‌دهد.)

4- GNP جاری (اسمی یا پولی) تحت تاثیر تغییر قیمت‌ها و مقدار کالاها و خدمات است.

5- برای ارزیابی دقیق‌تر باید اثر تغییر قیمت‌ها اصلاح شود و GNP حقیقی (واقعی یا به قیمت ثابت) محاسبه شود.

اجزای تشکیل دهنده GNP

1- مصرف (خانوارها، کالاهای بادوام و بی‌دوام)

2- سرمایه‌گذاری ناخالص = سرمایه‌گذاری ثابت (ماشین‌آلات و تجهیزات) + تغییر در موجودی انبار + ساختمان واحدهای مسکونی.

3- مخارج دولت (خرید کالاها و خدمات)

4- خالص صادرات = صادرات - واردات.

واردات، تقاضای داخلی برای تولیدات خارجی است.

صادرات، تقاضای خارجی برای تولیدات داخلی است.

$$GDP = GNP - F_y$$

F_y = خالص درآمد عوامل تولید از خارج

مثال خالص درآمد عوامل تولید از خارج:

+ درآمد کارگران ایرانی که در کشورهای خارج به کار اشتغال دارند .

- درآمد مهندسين ژاپني که در ایران به کار اشتغال دارند.

$$\text{تولید یا درآمد ملی} = \frac{\text{تولید یا درآمد سرانه}}{\text{جمعیت}}$$

GNP حقیقی:

برای به دست آوردن GNP حقیقی باید از شاخص قیمت استفاده کرد.
شاخص قیمت تغییرات قیمت‌ها را اندازه می‌گیرد.

شاخص قیمت

وسیله‌ایست که برای سنجش تغییرات قیمت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شاخص قیمت تغییرات قیمت در سالهای مختلف را نسبت به سالی که به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده است به درصد نشان می‌دهد.

$$\text{تورمزدایی ضمنی GNP} = \frac{\text{GNP اسمی}}{\text{GNP حقیقی}}$$

$$\text{GNP حقیقی} = \frac{\text{GNP اسمی}}{\text{تورمزدایی GNP}}$$

روش‌های محاسبه تولید ملی

1- روش مخارج ← مجموع مخارج

$$\text{GNP} = C + I + G + (X - M)$$

2- روش درآمد ← مجموع پرداختی به عوامل تولید انسانی و غیرانسانی

3- روش تولید ← مجموع ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصاد

ارزش افزوده:

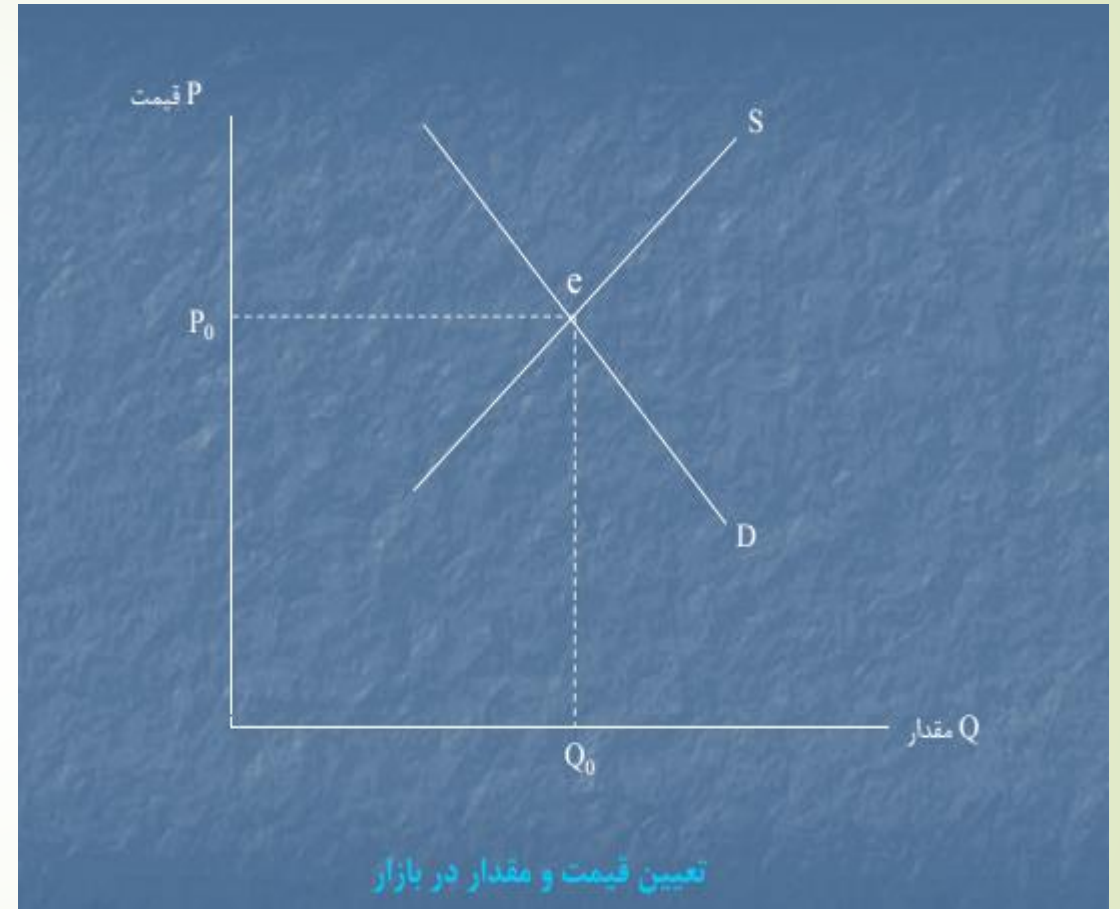
عبارت است از اضافه ارزش ایجاد شده در هر مرحله تولیدی و یا ارزش محصول هر مرحله منهای ارزش کالاهای واسطه

منحنی عرضه کل:

مقدار تولید کل اقتصاد را در هر سطح قیمت نشان می‌دهد.

منحنی تقاضای کل:

تقاضا برای کل تولید را در هر سطح قیمت اندازه می‌گیرد.



در چارچوب اقتصاد کلان، عرضه کل و تقاضای کل براساس دیدگاه مکاتب اقتصادی گوناگون تحلیل می‌شوند .

الگوی کلاسیک:

ویژگی‌های اصلی نظریه کلاسیک:

- 1- عرضه کل تعیین کننده سطح تولید کل و اشتغال است.
- 2- عرضه پول تعیین کننده تقاضای کل و سطح عمومی قیمت‌ها است.

نظریه عرضه کلاسیک:

- موجودی سرمایه و سطح تکنولوژی ثابت است .
- مهم‌ترین نهاده نیروی کار است که از طرف خانوارها عرضه می‌شود و تغییر می‌کند و موجب تغییر سطح تولید می‌شود.

سیاست‌های تثبیت‌کننده:

- طرح و اجرای آنها از وظایف دولت است .
- دو گروه هستند:
- سیاست‌های پولی (کوشش دولت برای کنترل عرضه پول)
- سیاست‌های مالی (استفاده از مخارج و درآمدهای دولت برای اثرگذاری بر سطح فعالیت‌های اقتصادی)

سیاست‌ها در الگوی کلاسیک:

- عدم مداخله دولت / اقتصاد بازار آزاد
- تطبیق اقتصاد به طور خودکار با وضعیت اشتغال کامل (بازار کار)
- ⇐ عدم وجود بیکاری غیر ارادی ⇐ عدم نیاز به طرح و اجرای سیاست‌های تثبیت‌کننده
- سیاست پولی (تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها)
- سیاست مالی (بی‌اثر)

انواع الگوهای چرخه تولید و درآمد

- ۱- مدل دوبخشی: بخش‌های اقتصادی این مدل شامل بنگاه‌ها و خانوارها می‌باشد.
- ۲- مدل سه بخشی: بنگاه‌ها خانوارها و دولت بخش‌های اقتصادی این مدل را تشکیل می‌دهد.
- ۳- مدل چهاربخشی: بنگاه‌ها، خانوارها، دولت و دنیای خارج بخش‌های اقتصادی این مدل است.

الگوی دو بخشی:

- اجزای تقاضای کل (AD):
- مصرف C، تقاضای بخش خانوار
- سرمایه‌گذاری I، تقاضای بنگاه‌های اقتصادی

$$AD = C + I$$

مصرف و پس‌انداز:

به نظر کینز هر دو تابع مستقیم درآمد می‌باشند.

$$y = C + S$$

$$\text{فرض: } T = 0$$

$$C = a + by$$

$$S = y - C = -a + (1 - b)y$$

مثال:

$$C = +50 + 0/75y$$

درآمد →

← مصرف

↓ مصرف مستقل

↘ گرایش نهایی به مصرف

$$S = -50 + 0/25y$$

درآمد →

← پس‌انداز

↓ پس‌انداز مستقل

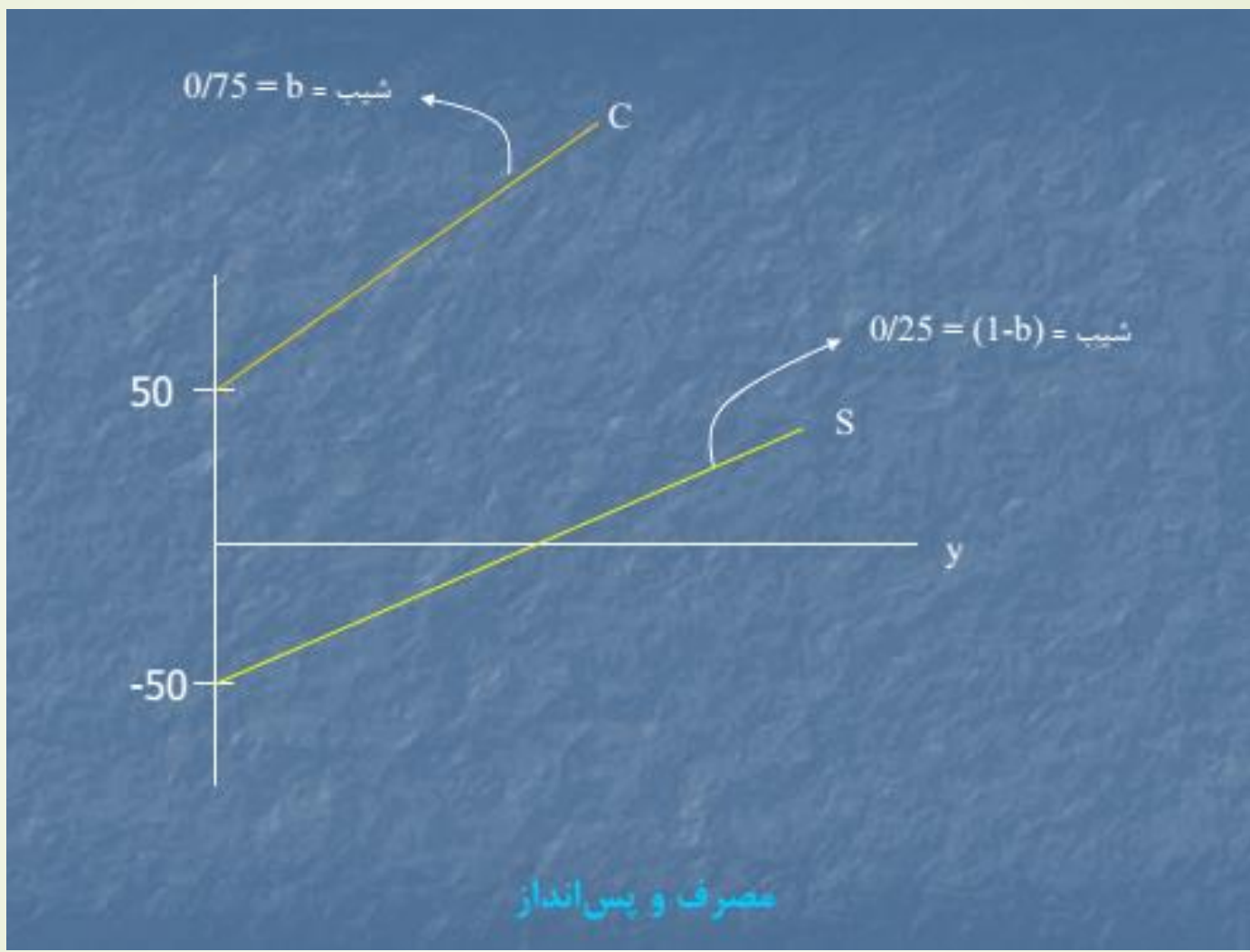
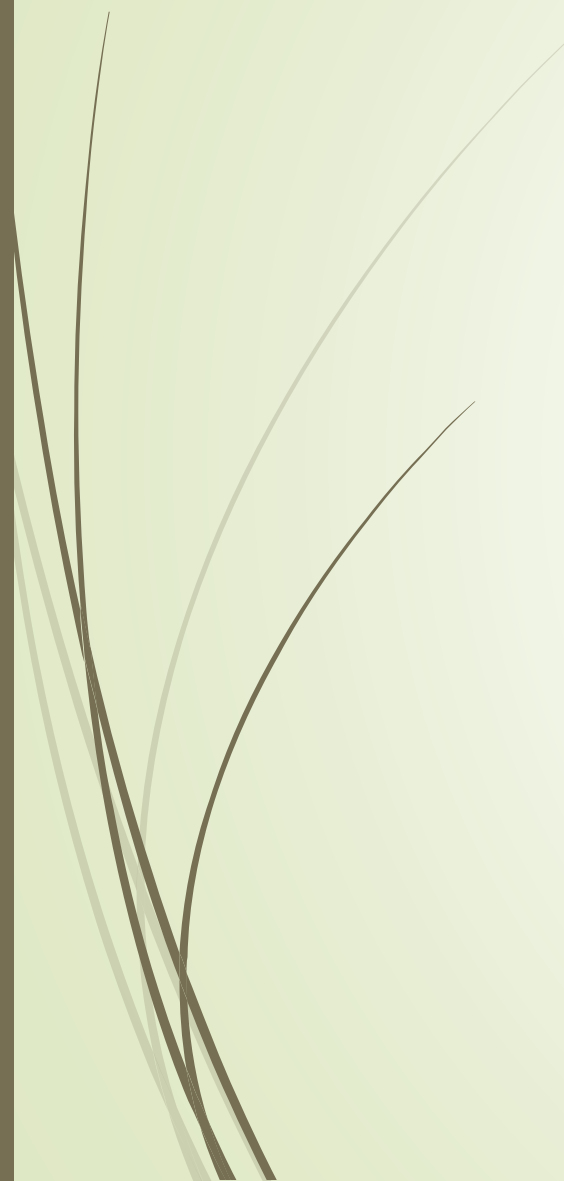
↘ گرایش نهایی به پس‌انداز

سرمایه‌گذاری:

- در مقایسه با مصرف جز کوچک‌تری از GNP است.

- نقش مهمی در نظریه کینزی دارد.

- سرمایه‌گذاری شامل مخارج بنگاه‌ها بر روی ماشین‌آلات و تجهیزات (سرمایه‌گذاری ثابت)، تغییر در موجودی بنگاه‌ها (سرمایه‌گذاری در موجودی‌ها) و مخارج خانوارها بر روی ساختمان‌های مسکونی است.



تقاضای کل (AD) = عرضه کل (y)
جریان هرز = جریان تزریق
تغییر در موجودی انبار به طور ناخواسته = صفر

شرط تعادل

در شرایط تعادلی هر سه شرط فوق همزمان برقرار است.

الگویی با بخش دولت:

- دولت تقاضای کل را از طریق سیاست مالی، یعنی تصمیم دولت در مورد خرج کردن و مالیات گرفتن تحت تاثیر قرار می‌دهد.

- ابزار سیاست مالی: مخارج دولت، ناشی از خرید کالا و خدمات (مثلاً خرید تسلیحات و ایجاد ساختمان‌های جدید دولتی) به وسیله دولت است. مخارج دولت مستقل است زیرا مقدار آن را سیاستگذاران دولتی تعیین می‌کنند و به وسیله قوای مجریه و مقننه کنترل می‌شود.

الگوی سه بخشی

اجزای تقاضای کل (AD):

- خانوارها ← مصرف C
- بنگاه‌ها ← سرمایه‌گذاری I
- دولت ← مخارج دولت G

از نظر کینز:

- دولت نقش مهمی در تثبیت اقتصادی دارد و باید این وظیفه را انجام دهد.

- اقتصاد سرمایه‌داری آزاد می‌تواند مشکلات اقتصاد خرد را در یک نظام بازار آزاد حل کند.

ضرورت دخالت دولت
برای تثبیت اقتصادی



تعادل در اقتصاد باز ← الگوی چهاربخشی

مشخصات الگو:

$$C = a + b(y - T), \quad T = ty$$

$$G = G_0, \quad I = I_0$$

$$X = X_0, \quad M = my$$

صادرات

واردات

تولید تعادلی:

شرط تعادل:

راه اول:

$$y = AD = C + I + G$$

راه دوم:

$$S + T + G + I$$

T = پرداخت‌های انتقالی - مالیات‌ها

آشنایی با دو مفهوم بیکاری و تورم و رابطه آنها

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{تعداد بیکاران}}{\text{کل نیروی کار}} * 100$$

انواع بیکاری	علت	راه کار مقابله
اصطکاکی	یافتن شغل جدید	در دسترس بودن اطلاعات مشاغل
ساختاری	پویایی ترکیب محصولات و مشاغل، عدم امکان تحرک جغرافیایی لازم	تسهیلات - آموزش
ادواری	نوسانات اقتصادی	سیاست‌های تثبیت

تورم:

افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها است.

* برای محاسبه نرخ تورم از شاخص قیمت مصرف‌کننده (قیمت خرده
فروشی کالاها و خدماتی که مصرف‌کنندگان مصرف می‌کنند) استفاده
می‌شود.

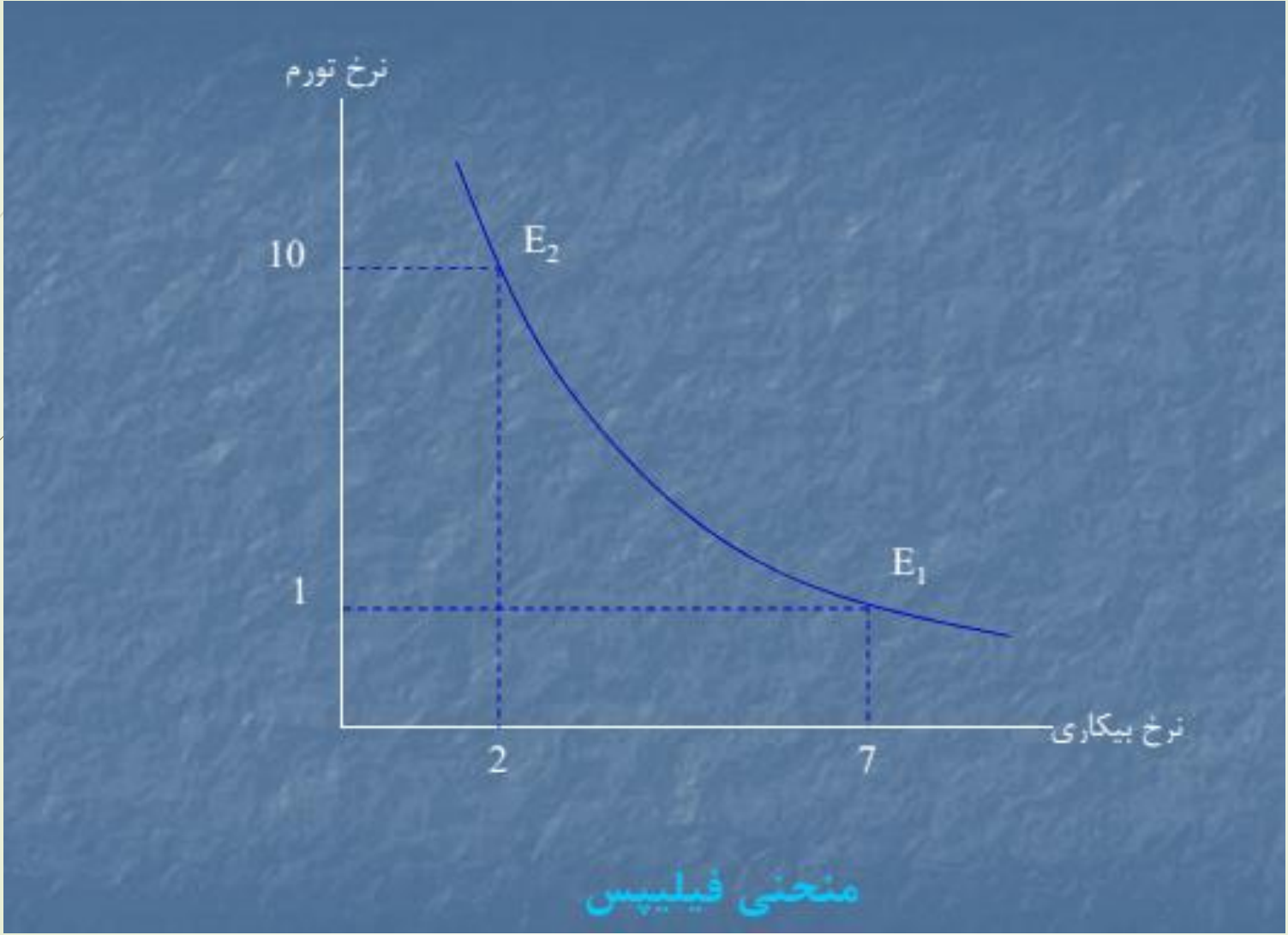
نرخ تورم:

به عنوان درصدی از تغییر در شاخص قیمت‌ها در یک دوره معین
محاسبه می‌شود.

$$\text{نرخ تورم} = \frac{Ip^0 - Ip^1}{Ip^0}$$

0: سال پایه

1: سال مورد نظر



سیاست پولی

انبساطی

انقباضی

تقاضای کل را از طریق M تحت تاثیر قرار می دهد.

اثر سیاست پولی انبساطی: نظریه پیروان کینز



اثر سیاست پولی انقباضی: نظریه پیروان کینز



تخصیص

- 1- تصمیم در مورد G ← اثرگذاری بر C ← عرضه کالاهای عمومی به مردم و تامین مالی هزینه از طریق مالیات.
- 2- تامین مالی فعالیتهای دارای اثرات خارجی مثبت (آموزش) ← تامین مالی از طریق مالیات

متعادل بودن بودجه دولت

تثبیت

□ مرکز ثقل انقلاب کنیزی

□ ΔG ، ΔT ← تثبیت AD و حرکت اقتصاد به سمت تولید بالقوه

با چشم پوشی از اصل بودجه متعادل دستیابی به این هدف ممکن است.

اهداف سیاست مالی:

- 1- تخصیص
- 2- توزیع
- 3- تثبیت

توزیع

دولت از طریق مالیاتها و یارانهها بر توزیع درآمد اثر می گذارد.

بر این اساس

- چه کسانی باید مالیات دهند؟
- چه کسانی یارانه دریافت می کنند؟
- ساختار نظام مالیاتی؟

متعادل بودن بودجه دولت

کسری بودجه و کسری تراز تجاری:

ورود و خروج سرمایه + تراز تجاری = تراز پرداخت‌های خارجی

نرخ بهره
واردات و صادرات

سیاست مالی-کینز

بدون سیاست تثبیت‌کننده دولت، تقاضای کل بخش خصوصی و تولید بی‌ثبات خواهد بود (مداخله دولت).

ابزار: مالیات‌ها و مخارج دولت

* سیاست مالی انبساطی: افزایش G و کاهش T

* سیاست مالی انقباضی: کاهش G و افزایش T

یک مسئله بلندمدت اقتصاد کلان است.

رشد اقتصادی

به معنی افزایش تولید و درآمد در یک اقتصاد است.

نرخ آن برابر نرخ افزایش تولید سرانه حقیقی اقتصاد است.

1- عوامل جمعیتی (تغییر ترکیب سنی، جنسی نیروی کار)

2- اثرات پرداخت‌های انتقالی (بیمه‌های بیکاری ← انگیزه

یافتن شغل ↓)

3- رشد بیکاری ساختاری (ناهماهنگی مهارت‌ها، و محل

جغرافیایی مشاغل)

دلایل افزایش
نرخ بیکاری

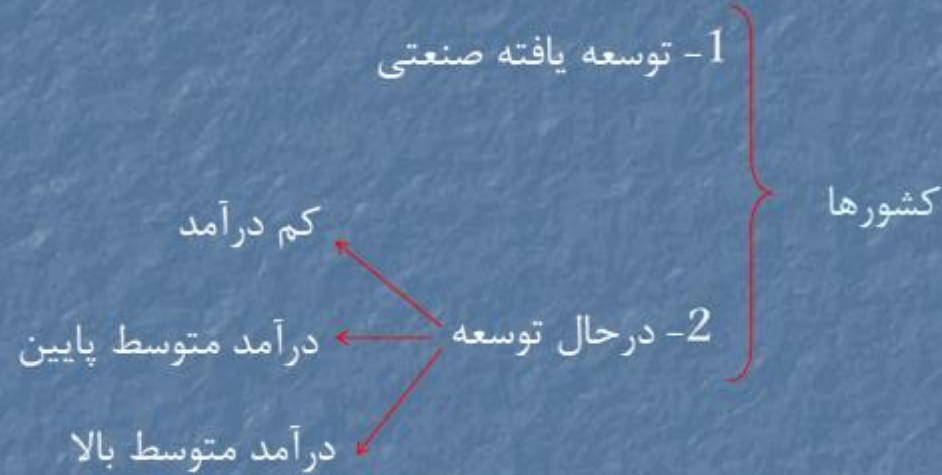
1- نیروی کار (رشد نهاده کار، رشد بهره‌وری نیروی کار، آموزش)

2- سرمایه (تغییرات تکنولوژیک، صرفه‌جویی مقیاس)

3- سایر عوامل (جنگ، شرایط جوی و...)

منابع رشد
اقتصادی

اقتصاد کشورهای توسعه نیافته



موانع رشد اقتصادی کشورهای توسعه نیافته

- 1- پایین بودن میزان تشکیل سرمایه (بالا بودن مصرف، پایین بودن نرخ پس انداز ← پایین بودن میزان سرمایه گذاری و تشکیل سرمایه)
- 2- فقدان پیشرفت های فنی لازم
- 3- پایین بودن رشد سرمایه انسانی (مهارت ها، سطح تحصیلات، آموزش و بهداشت نیروی کار به علت کمبود منابع مالی پایین است).
- 4- بالا بودن رشد جمعیت

استراتژی‌های توسعه

- 1- رشد متعادل ← سرمایه‌گذاری همزمان در بسیاری از بخش‌های اقتصادی ← رشد همزمان بخش‌ها.
- 2- رشد نامتعادل ← با توجه به محدودیت مالی سرمایه‌گذاری روی یک بخش یا چند بخش پیشرو

نقش کشورهای صنعتی در توسعه کشورهای در حال توسعه

- 1- کمک خارجی ← سرمایه‌گذاری و تامین مالی
- 2- تجارت

با تشکر از توجه شما